



۲۰۱۴/۰۴/۱۸



م. نعیم بارز

## سیزده سال قبل که آقای کرزی داخل ارگ شد و حالا که می رود!

از هنگامیکه روند انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی در کشور آغاز شد و مردم بصورت وسیع در محافل سخنرانی کاندید ها و سایت های رأی دهی حضور بهم رساندند، چنان تبلیغاتی از هر سو انعکاس یافت که تو گوئی معجزه ای به وقوع پیوسته است. البته جای تردید نیست که در اثر رشد کمی تعلیم و تربیه، اطلاع رسانی گسترده بصورت نسبی در همه زمینه ها یک مقدار سطح آگاهی مردم بالا رفته و نسبت به سال های گذشته علی الرغم ترس از عملیات تروریستی، مشکل بارندگی و سردی هوا بازار انتخابات پر رنگ و گرم شده بود. اما باور نمی توان کرد که آگاهی مردم چنان بلند رفته باشد که عوام الناس از فهم و درک برنامه های اقتصادی، اجتماعی و سخنرانی های شعارگونه نامزد های انتخاباتی منافع خود را تشخیص داده و به امید بهتر شدن زندگی آینده شان بصورت شعوری به پای صندوق های رأی دهی رفته و رأی داده باشند، واقعیت امر اینست که تا هنوز کلاً جامعه قومی و سنتی است.

در کشور ما بنابر عدم رشد اقتصاد صنعتی، نبود احزاب سیاسی و سازمان های ورزیده، تفکر ملی بسیار ضعیف است و این مسئله باعث شده که تعداد بیشتر مردم جانب سران قومی و زورمندان را داشته باشند و معلوم بوده که



سران قومی عوام فریب در موقع ضرورت و بر اساس اقتضای منافع شان از وجود مردم استفاده ابزاری کرده و می کنند، چنانکه در همین انتخابات ریاست جمهوری پیش رو با استفاده از ثروت بی حسابی که از حاصل جهاد و سوء استفاده از کمک های دالری و با توصل به هر وسیله دیگر توانسته اند مردم را به پای صندوق های رأی بکشند و علاوه بر آن از هیچ تقلب و تخطی دریغ نوزند، بدین ترتیب آنها چنان در همه بخش های ثروت اندوزی و قدرت جا گرفته اند و لذت آنرا چشیده اند که به قول مارشال قسیم فهیم متوفی که اخطار

گونه گفته بود اگر موقعیت آنها در نظر گرفته نشود «راه بالا شدن به کوه» را در پیش خواهند گرفت.

خواننده محترم توجه فرماید که جنگسالاران تا چه حد خود خواه و بیرحم اند، برای منفعت خود حاضر اند مردم را به جان هم انداخته دریای خون جاری کنند، شهر ها و همه ساختار های مادی و معنوی را که سال ها به چه زحمت و قیمتی بوجود آمده ویران و از بین ببرند.

امید که مردم تجارب جنایت بار گذشته رهبران عوام فریب را از یاد نبرده و اقلأ راه توصل به خونریزی همنوع و هم وطن خود را در پیش نگیرند.

اما متأسفانه انسان ها عادت به فراموشی دارند، گرچه توده های انسانی خصلتاً مخرب و جنایتکار نیستند و گاه گاه در تاریخ دیده شده که از خود قهرمانی ها نشان داده و حماسه ها آفریده اند ولی بعضاً در اثر تبلیغ و القاء دست به خونریزی ها و ویرانی ها نیز زده اند. مثلاً در المان تحت رهبری هیتلر میلیون ها انسان و شهر ها ب خاک و خون کشیده شد، در شوروی سابق تحت رهبری ستالین بیش از سی میلیون انسان به قتل رسید، در چین تحت رهبری مائو تسه دون بخصوص در انقلاب فرهنگی میلیون ها نفر جان دادند، در کامبوج تحت رهبری پلپوت دو میلیون انسان به قتل رسیدند و بالاخره در افغانستان در زمان پس از سقوط حکومت داکتر نجیب الله در دعوی قدرت بین رهبران مجاهدین شصت هزار مردم بیگناه کابل کشته شدند و شهر به ویرانه ای مبدل گردید. لذا نقش رهبری در حرکت های مثبت و منفی مهم و تعیین کننده است.

د پائو شمیره: له ۱ تر ۶

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاډونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پاډوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

عامل اساسی در پیوند به انتخابات هم نقش رهبری و اراده آزاد و آگاه مردم در رقم زدن سرنوشت خوب و بد کشور مهم و تعیین کننده است و اگر مفهوم رأی دادن را ندانیم و برای کسیکه رأی می‌دهیم درست تشخیص ندهیم که او از لحاظ اخلاقی و ارزش های عالی انسانی دنیای امروز در چه وضعیت و موقعیتی است، بدین معنی خواهد بود که همه هستی و دارائی خود را بدون کدام تضمینی بدست کسی نا شناخته بسپاریم با خیال اینکه او گفته آنرا بکار می اندازد و نفع برآیم میرساند، که این رفتار را میتوان بازی در قمار دانست.

ظاهراً روند انتخابات با شرکت گسترده زن و مرد وصف بستن های طویل، در نهایت حوصله مندی با چادری ها و لباس های رنگ رنگ و قد و قیافه های مختلف ساعت ها در انتظار فرا رسیدن فرصت رأی دهی، واقعاً نمای صوری و شکلی آن نمایش بسیار زیبایی بود که اگر داستان نویسان سیوریالیست و سینما گران ورزیده آنرا از موضع هنری شان زیر قلم و کمره عکاسی خود قرار دهند، شاید منظر و نمایش بی مانندی بوجود آید.



اما اگر واقعینانه به موضوع انتخابات در کشور نگاه کنیم میتوان دید که هنوز جمعی از با سوادان و تحصیل یافتگان کشور و گروه های به اصطلاح سیاسی و اجتماعی درک و شناخت کافی از دیموکراسی و شیوه های بکار گیری عملی آنرا ندارند. اگر بیداری و آگاهی لازم بوجود آمده بود ما شاهد آن نبودیم که به استثنای یک تیم بقیه در همه تیم ها باز هم شاهد دیدن چهره های جنگسالاران باشیم، ولی معلوم شد که هنوز هم میدان دار سیاست و برد و باخت ریاست جمهوری همان زورمندان و عوام فریبان هستند.

اگر دولت های غربی و در رأس دولت ایالات متحده آمریکا از روند انتخابات افغانستان بیش از حد توصیف و تمجید میکنند، می خواهند آنرا به عنوان دست آورد بسیار مثبت خود تبلیغ کرده و بدینترتیب شکست و ناکامی خود را در برابر تروریسم و جنایات طالبان به رهبری سازمان اطلاعات نظامی پاکستان از دید مردمان شان پنهان نگهدارند.



همه آگاهان میدانند که نهاد های دیموکراسی در کشور نهادینه نشده و در بسی موارد مهم قانونی در کشور وجود ندارد و اگر وجود هم دارد چندان

جنبه عملی و تطبیقی ندارد. مثلاً بالاخره حقوق دان های ما در کمیسیون قانون گذاری ولسی جرگه بصورت تقلیدی از جا های دیگر و یا با درک کتابی قانون گذاری برای انتخابات قانونی تدوین کردند که اصلاً در جامعه قابل اجراء دیده نشد، زیرا بر اساس درک ذهنی تدوین و تصویب گردیده بود نه بر واقعیت های عینی جامعه و اگر از مصلحت کار گرفته نمی شد، به قول رئیس کمیسیون مستقل انتخابات در موقعیت زمان محدودی که پیش رو بود اصلاً انتخابات صورت نمی گرفت.

بهر حال از شرکت و کمیت زیاد مردم انتخابات نباید به صورت مبالغه آمیز چنین تبلیغ شود که گویا مردم در اثر آگاهی و تشخیص درست از برنامه ها و شناخت همه جانبه از شخصیت های کاندید ریاست جمهوری به این باور رسیده اند که گویا آنها دانسته و شعوری رأی داده اند و رئیس جمهور منتخب شان خواهند توانست کشور را به زودی به سمت و سوی صحیح رهبری کرده و به نیاز ها و خواست های شان خواهند رسید.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۶

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

شعار های دلکش و آرمان خواهانه زبانی کار آسانی است و همینطور توصیف بیش از حد از مردم و یا انتقاد های بی اندازه و یکنواخت از موضع عقده های شخصی و اخلاقی مسایل انسان ها را خارج از حوزه سیاسی و بدون تحلیل و ارزیابی همه جانبه مورد داوری قرار داد، هر گاه در پشت الفاظ کینه توزانه و خیال بافانه، استدلال و نظرات ارزشمند وجود نداشته باشد، تعریف و توصیف های کاذب و برخورد های نادرست و غیر واقعی به مسایل اجتماعی در فرجام کار چیزی جز مایوسی و سرخوردگی حاصل دیگری به بار نخواهد آورد.

از بحث در باره خصوصیات و عملکرد مردم و چگونگی جامعه به بیان مختصر در بالا اکتفا کرده چون قرار است که اگر موضوع انتخابات به دعوا و جنگ نکشد تا یک ماه دیگر رئیس جمهور جدید معلوم خواهد شد و رئیس جمهور کرزی از قدرت کنار خواهد رفت پس بد نخواهد بود در آغاز دیدگاه های چند شخصیت خارجی مهم و آگاه از امور افغانستان و شناخت از ارزش های کاری و شخصیت فردی جناب رئیس جمهور کرزی را به خدمت خوانندگان محترم و منتقدان او پیش کش نمایم.

اول : رادیو تلویزیون بی بی سی در مصاحبه با جان میکن سناتور برجسته امریکائی از حزب جمهوریخواه که نوشته زیر از روی بیان بصورت تحریری در آورده شده است:

ژورنالیست تلویزیون بی بی سی سؤال را چنین آغاز میکند:

آیا حامد کرزی متحد قابل اطمینان برای امریکا بوده یا خیر؟

جواب : برای مدت طولانی شریک ما بود، احساس بدی دارد من اولین بار رئیس جمهور کرزی را شبی دیدم که پایگاه بگرام از دستان طالبان خارج شد، همراهی زلمی خلیل زاد برای چندین سال در بازدید های متعدد دیدارها و روابط خوبی داشتیم مسلماً در چند سال اخیر بین او و امریکا فاصله مشهودی ایجاد شده که همیشه همه اش تقصیر او نیست ولی میتواند تا حدی آینده ما را تحت تاثیر قرار دهد، فکر میکنم به نحوی متوهم شده به این باور بود که اولویت ما در حد کافی متوجه طالبان و پاکستان نیست و از حمایت اطلاعات نظامی پاکستان و شبکه حقایق شکایت داشت، البته این نباید بهانه ای برای توجیه بعضی رفتار و گفتار باشد از جمله امضا نکردن توافقنامه امنیتی که به نظرم برای آینده افغانستان اهمیت دارد.

سؤال: آقای کرزی توافقنامه امنیتی را امضا نکرد، بر خلاف نظر شما زندانیانی را آزاد کرد و سخنانش در مورد کریمیای اوکراین هم با نظر امریکا هم جهت نبود، چه مقدار از این تقصیر متوجه دولت امریکا است؟

جواب : دونالد رامسفلد وزیر دفاع سابق امریکا گفته که حتی یک میمون آموزش دیده هم میتوانست موافقت افغانها را به توافقنامه امنیتی جلب کند.

سؤال: آیا شما تا این حد از دولت بارک اوباما انتقاد دارید؟

جواب : من از دولت اوباما انتقاد می کنم بخاطر بعضی از افراد که ریچارد هولبروک و یا سوزان رایس که به کابل رفتند در گیر شدند، من کرزی را می شناسم رفتن به کابل و دعوی با او اصلاً فائده ای ندارد، می توانستیم رفتار خوبی داشته باشیم ولی مسئولیت اصلی وخامت روابط متوجه آقای کرزی است، حمایت اخیر او از تهاجم روسیه به کریمیا بی منطق است، فکر میکنم دیگر بجای رسیده ایم که تنها منتظر انتخاب رئیس جمهور و آغاز بکار دولت جدیدی در افغانستان باشیم، مهم است بدانیم که همه نامزد های ریاست جمهوری گفته اند که توافقنامه امنیتی را امضا خواهند کرد، چرا که به کمک امریکا نیاز دارند، انتقاد من از دولت اوباما اینست که هنوز ماموریت و تعداد نظامیانی که قصد داشتند در افغانستان نگهدارند را مشخص نکرده اند. این دوستان ما را دچار تردید میکند، چراکه رخداد های عراق پس از خروج نیروهای امریکا بوده اند، این تقصیر ما بوده نه از نوری مالکی.

سؤال : چه انتظاری از رئیس جمهور جدید افغانستان دارید؟

جواب: من با چند تا نامزد دیدار کردم همه انسان های خوبی هستند توقع دارم روابط مستحکمی داشته باشیم، برای موفقیت علیه طالبان به بعضی امکانات امریکا مانند نیروی هوایی و توانائی اطلاعاتی آموزش نظامی نیاز دارند، آنها نیروی هوایی ندارند و ما باید برای شان نیروی هوایی بسازیم، اگر بخواهند موفق باشند به امریکا نیاز خواهند داشت مگر نه همان چیزی که بعد از خروج امریکا از عراق رخ داد در افغانستان هم تکرار می شود.

سؤال: نقش پاکستان چه خواهد بود؟

جواب: فکر میکنم دولت نواز شریف از دولت قبلی بهتر است. بعضی از اقدام های شریف برای کنترل ارتش مهم است ولی همچنان مشکلی در سازمان اطلاعات نظامی پاکستان وجود دارد، شکی نیست که آنها با شبکه تروریستی حقایق کار میکنند، پیش رفت های بوده ولی کار بیشتر باید انجام یابد.

## ۲ - به نقل از سایت گران افغانستان!

«رابرت گیتس وزیر دفاع سابق دولت ایالات متحده امریکا نسبت به ستراتیژی خروج نیروهای امریکا از افغانستان اظهار نگرانی کرده او در کتاب خاطراتش نوشت :

رئیس جمهور اواما به فرمانده خود اعتماد ندارد، نمی تواند کرزی را تحمل کند، به ستراتیژی اعتماد ندارد و جنگ در افغانستان را جنگ متعلق به خود نمی داند، برای او همه چیز در خروج از افغانستان خلاصه می شود. امور افغانستان خشونت بیشتری را به نسبت زمانی که اواما به ریاست جمهوری رسید، تجربه میکند ، شاید امریکائی های کمتری در افغانستان کشته شوند، اما تعدادی بیشتری غیر نظامیان افغان بر اساس احصائیه سازمان ملل جان خود را از دست میدهند. در این کشور سلاح های بیشتر، جنگسالاران بیشتر و شبه نظامیان بیشتری رویکار آمده اند که این احتمالاً میراث اواما است، این اتفاقی است که وقتی شما با واقعیت کنار نیایید رخ میدهد.»

۳ - خواننده محترم لطفاً به ابراز نظر یک ژورنالیست آگاه وبا وجدان توجه فرمائید که از «صفحه دو آخر هفته رادیو تلویزیون بی بی سی»، از گفتار بصورت نوشته آورده شده است.

«نطاق تلویزیون مقدماً چنین می گوید : جدا از کار های حامد کرزی در سیاست و دیگر حوزه ها شخصیت فردی او هم در مرکز توجه بوده است، بعضی او را به خوش پوشی می شناسند و از نظر بعضی رهبر با نفوذ است. خانم لیز دوسنت، ژورنالیست ارشد بین المللی بی بی سی را پرسیدیم که بارها به افغانستان سفر کرده و با مقامات این کشور و از جمله با حامد کرزی همراه شد.»

جواب خانم لیز دوسنت: «من خیلی وقت است که رئیس جمهور کرزی را می شناسم، او را در سال ۱۹۸۸ در کوئته ملاقات کردم او در آنجا زندگی میکرد، من یک خبرنگار جوان بودم که تازه افغانستان کشف می کرد و با افغان ها آشنا می شد، کرزی سخنگوی یکی از احزاب مجاهدین بود و البته مرتب با خبرنگاران ملاقات میکرد و من با او خوب آشنا شدم ، وقتی رئیس جمهور نجیب الله در سال ۱۹۹۲ سقوط کرد و سبغت الله مجددی به افغانستان آمد، حامد کرزی و من هم در همان کاروان بودیم که به کابل آمد و این شروع حکومت مجاهدین در کابل بود البته این خیلی وقت های پیش بود و افغانستان از نظر ما دوران مختلفی را سپری کرده درس های تاریخی در پایان سال ۲۰۰۱ که همه جهانیان می پرسیدند چه کسی اولین رهبری دوران پس از طالبان خواهد بود؟ زمزمه های می شنیدیم که حامد کرزی خواهد بود، خیلی از ما در اوایل تعجب می کردیم و فکر میکردیم این مرد مودب، خوش بیان و شوخ طبع آیا میتواند که میان سنت های جامعه افغان و خواست های غرب ارتباط برقرار کند؟

آیا می تواند رهبری باشد که افغانستان نیاز دارد؟ و فکر میکنم که واقعاً او چنین رهبری بود. این چیزی بود که من از حامد کرزی بخاطر خواهم داشت او در آن لحظه های حیات تاریخی افغانستان دقیقاً همان رهبری بود که این کشور نیاز داشت، خیلی از افغانها و مردم منطقه و حتی جهان بخاطر خواهند داشت که آن یک لحظه امیدواری بود و به نظر بعضی ها بهترین چانس بیک نسل.

حامد کرزی زبان غرب را صحبت می کرد بدون اینکه غربی باشد، پشتون بود بدون اینکه ناسیونالیست و قبیله گرا باشد، و یکی از مجاهدین بود، بودن اینکه جنگسالار بوده باشد.

به نظر میرسد که همه برگ های لازم را داشته باشد و واقعاً چهره جدیدی از افغانستان به جهانیان نشان داد، همیشه گفته و هنوز هم می گویم که حامد کرزی بیشتر به پدر ملت می ماند.

گفتم که یک سیاست چادر بزرگ را دنبال می کرد که بالای سر همه باشد، نمی خواست هیچ کس را بیرون اندازد، می خواست حتی جنگسالار های که خیلی در غرب و حتی در خود افغانستان آنها را نمی خواستند در قدرت سهیم کند، حزب اوپوزیسیون نمی خواسته، میخواست همه را یکپارچه کند. و حالا در این لحظه که حامد کرزی از قدرت کنار می رود کسانیکه این برنامه را تماشا می کنند بعضی شان خواهند گفت حامد کرزی مرا عصبانی و مایوس کرد و بعضی دیگر خواهند گفت حامد کرزی مرا شیفته کرد، از من حمایت کرد و خیلی جالب است که درین روز ها حتی بعضی از بزرگترین منتقدان حامد کرزی یک کمی دل شان برای او و جذابیتش تنگ می شود، آن طوریکه او انگلیسی، فارسی و اردو حرف می زد، با مردمش حرف می زد و با جامعه جهانی، فکر میکنم میراث حامد کرزی را وقتی خواهیم شناخت که انتقال مسالمت آمیز قدرت انجام شده باشد، وقتی مردم به گذشته نگاه کند البته کارنامه هیچ کسی که زمانی چنین طولانی در قدرت بوده باشد بی نقص نخواهد بود، هم موفقیت ها و هم سرخوردگی های خواهند خواهد داشت، فکر می کنم مردم کشورش را دوست داشت و نهایت سعی اش را کرد در بعضی زمینه ها موفق بود و در بعضی زمینه ها شکست خورد ولی یکی از سخت ترین شغل های جهان را عهده دار شد.

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۶

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولی

این بود دیدگاه خانم لیز دوست. حال بر می گردیم به مطلبی که در بالا عنوان شده است.

- ❖ وقتی رژیم طالبان بوسیله نیرو های هوایی امریکا سقوط داده شد، مردمیکه بعد از بیست و سه سال از درون آتش جنگ زنده مانده بودند که نه برای شان کاری بود، نه سرپناهی نه لباس و نان بخور و نمیری، یک خانه، یک شفاخانه؛ یک مکتب و یک سرک اسفالت سالم باقی نمانده بود. آنچه بیشتر از هر چیز به نظر میرسید سایه شوم تفنگ و تفنگدار ها بود که در خدمت بیگانگان و دولت های دشمن افغانستان عمل می کردند.
- ❖ آنچه از تجمعات زن و مرد در حوزه های رأی دهی انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی دریافت می گردد، اینست که یک بخشی از مردم کشور اقل بر خلاف گذشته ها که قدرت جویان بسیار حریص برای رسیدن به قدرت متکی به تفنگ بودند اینک مردم با رفتن به پای صندوق های رأی و انگشت رنگ شده شان راه متمدنانه مسالمت آمیز رسیدن به قدرت و حقوق شان را نشان دادند.



آقای کرزی در چنین وضعیتی داخل ارگ شد که می باید همه چیز از صفر شروع و ساخته می شد، مشکل وی بیشتر از هر چیز دو مسئله بود، یکی جنگسالاران که هیچکدام در تقسیم قدرت قانع نبودند و تا امروز هم دعوا دارند. دوم امریکائی های خود خواه و مغرور و گپ ناشنو بودند که بدون تشخیص منابع اصلی تروریسم پروری و رهبری کننده اصلی تروریسم، روستا های افغانستان را بمباردمان نموده و حق و ناحق هزاران انسان بیگناه را بدون مدرک زندانی کرده در حالت بی سرنوشتی قرار میدادند، بدینگونه وبا این خیال که میتوانند تروریسم را در منطقه از بین بخواهند برد. اما هنوز مشکل تروریسم را در پاکستان و افغانستان حل نکرده جبهه جنگ دیگری را در عراق باز نمودند. رئیس جمهور اوپاما برای سرکوب تروریسم به زعم خود اقدام به ابتکار تازه ای کرد که بر علاوه از نیروهای قبلی امریکا و ناتو سی هزار نیروی تازه به افغانستان فرستاد مگر باز هم عملیات انفجاری انتحاری ادامه یافت و افزونتر هم گردید و به تلفات امریکائی ها و ناتو افزایش چشمگیری بعمل آمد آنگاه امریکائی ها دریافتند که شکست خورده اند و در سرکوب تروریسم ناکام شده اند، بالاخره چاره کار را در این دیدند که قوای شان تا اخیر سال ۲۰۱۴ افغانستان را ترک گفته و در عوض مردم و نیرو های افغان را زیر تیغ سازمان اطلاعات نظامی پاکستان قرار داده و چند پایگاه نظامی هم در افغانستان بدست آورند تا در ساحة رقابت و مبارزه برای داشتن دست بالا در سیاست و بهره برداری اقتصادی در منطقه آنرا در اختیار داشته باشند.

کرزی که همواره از این نوع سیاست و رفتار امریکائی ها انتقاد کرده، بخصوص از بمباردمان طیارات آن در خاک افغانستان، امریکائی ها تصمیم گرفتند که در انتخابات سال ۲۰۰۹ از داکتر عبدالله حمایت کرده و کرزی را از صحنه قدرت کنار زنند.

برای درک درست و همه جانبه این مسئله تا کسی بخش های ترجمه شده از کتاب کای آیدی به فارسی که در فهرست نوشته های محترم داکتر عبدالله کاظم در پورتال افغان جرمن آنلاین موجود است آنرا از نظر نگذرانند بدرستی نخواهند توانست راجع به موقف غلط دولت امریکا با آقای کرزی درست داورى کرده بتوانند.

در اینجا به چند نکته از آن کتاب اشاره میکنم:

فصل پانزدهم کتاب مترجم محترم داکتر سید عبدالله کاظم.

د پانو شمیره: له ۵ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

« اینکه چرا انگلیس ها در هلمند موفق نبودند و چرا مخالفان مسلح بعد از آنکه قوای برتانوی به آنجا آمدند، قویتر شد نه ضعیف تر، سؤال است که طرح گردید. برتانوی ها در عین زمان نقش رهبری در جنگ علیه تولید مواد مخدر را پیش می بردند و اما تولید خشخاش تقلیل نیافت، برعکس به شدت بالا رفت و هیرمند جانیکه قوای برتانوی در آن متمرکز بود بیشترین تریاک را به مقایسه مجموع ولایات دیگر تولید می کرد، اینکه چه دلیل بود رئیس جمهور کرزی بر آنها شک داشت.»

بحث انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال ۲۰۰۹: صفحه ۳ پراگراف اول «در مسئله شخص جانشین کرزی، هالبروک نتوانست از کسی نام ببرد و کای آیدی میگوید «او حق بجانب بود و من نیز به همان نظر بودم که واضحاً هیچ کاندیدی نبود که جانشین کرزی گردد.»

«کای آیدی بحیث نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در افغانستان مقرر گردید. اینکار در آغاز کار بین هالبروک و کای آیدی یک نوع نزاکت و اختلاف را ایجاد کرد، هالبروک تلاش می کرد تا بجای کرزی شخص دیگری در انتخابات ریاست جمهوری موفق شود، در حالیکه مقامات نظامی امریکا بسیار طرفدار اینکار نبودند و فکر می کردند که احتمال برنده شدن کرزی در انتخابات زیاد است.»

«صفحه ۴ پراگراف دوم: جامعه بین المللی کرزی را چنان با انتقاد و کم عزتی هدف قرار داده بود که من نظیر آنرا هیچگاه در جای دیگر ندیده بودم، او متحمل فشار های گردیده بود که دلیل آنرا ما نمی دانستیم. تلفات ملکی موجب نگرانی و تحقیر او شد. وقتی که او حوادث را بیان می کرد شرکای بین المللی از او می خواستند که موضوع مخالفت خود را پشت درهای بسته برای شان بگوید.»

«سیاست مداران نخبه بین المللی هیچگاه انگشت را در جهت از بین بردن جنگسالاران قدیم و دلایان قدرت که هیچ علاقمندی به اصلاحات و حکومت داری خوب نداشتند دراز نکردند، اما کرزی را در ارتباط با فساد زیر انتقاد می بردند و اما با عقد قرار داد ها با افغان های مشهور و فساد پیشه ادامه میدادند. اینجا یک ریاکاری بود که او را عصبی و ناراحت می ساخت و هر روز به این ناراحتی او افزون می شد.»

«کرزی مجبور بود قوا و گروه های داخل حکومت را بر مبنای رضایت جناح های مختلف متوازن سازد، اگر او در این کار دست آزاد می داشت، حکومت او ممکن دارای شکل متفاوت می بود، ولی او نمی توانست واقعیت های اساسی زندگی سیاسی افغان ها را نادیده گیرد.»

### **قسمت هفتم انگیزه مخالفت گالبرایت با کرزی !**

به نظر بعضی از آگاهان ریشه اصلی مخالفت گالبرایت با حامد کرزی در دومین انتخابات ریاست جمهوری بیشتر در ارتباط قبلی جوبایدن با کرزی ارتباط می گیرد و آنهم از زمانیکه کرزی در دوره جارج دبلیو بوش چنان نزدیک در حلقه محافظ کاران جدید «نیوکان ها مشهور به عقاب ها» قرار داشت که بی گمان تصور میرفت که او یکی از آنهاست، اصلاً اینطور نبود بلکه نیوکان ها می خواستند یکی از معتمدین خود را در افغانستان به قدرت برسانند. «وقتی که او با ما و جوبایدن در انتخابات ریاست جمهوری امریکا موفق شدند قبل از آنکه بکار شروع کنند، جوبایدن به افغانستان سفر کرد و با کرزی ملاقات نمود تا به او موقف حکومت جدید را در قبال افغانستان توضیح دهد، درین دیدار بایدن خواست به کرزی تفهیم کند که دیگر او کسی نخواهد بود که هر هفته با رئیس جمهور او با ما به تماس باشد. اطلاعات حاکی از آنست که در این دیدار حرف های جدی و شدید بین آنها تبادل شد، چنانکه بایدن در نیمه صرف غذا اطاق را ترک کرد، گفته می شود بعداً تقرر هالبروک که یکی از نزدیکان بایدن بود به حیث نماینده خاص رئیس جمهور او با ما در امور افغانستان و پاکستان به توصیه بایدن مقرر شد.»

خلاصه اگر بیشترین ایراد و انتقاد از بابت فساد اداری به کرزی نسبت داده شده است نباید نقش منفی انجو ها و دولت های حامی آنها بخصوص دولت امریکا را نادیده گرفت. اگر در موارد زیاد کرزی از مصلحت و گذشت کار گرفته باید دریافت که ناگزیر بوده زیرا از یکسو دولت نو پای وی توان مبارزه قاطع را با متخلفین نداشت و از سوی دیگر همین گذشت و مصلحت باعث گردیده که ثبات نسبی در کشور حفظ شده و امروز هرچه از ساختار های امنیتی، اداری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و غیره در کشور می بینیم، نتیجه ثبات بوده و حالا دیگر هر کس که به عنوان رئیس جمهور وارد ارگ شود، با آنهمه مشکلات و مسایلی که کرزی مواجه بود، رو برو نیست. و اگر انتخاباتی که تا یک ماه دیگر بدون درگیری و جنگ انجام یابد شاید در آینده نه چندان دور از کرزی به عنوان یگانه سیاست مدار موفق و ملی در تاریخ افغانستان یاد شود. ۲۰۱۴/۰۴/۱۱

پایان

د پانو شمیره: له ۶ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ